

سُورَةُ الرَّعْدِ ۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
المرج تلک آیات الکتاب^ق و الذی أنزل إلّیک من ربّک الحقّ و لکنّ اکثر النّاس لا
یؤمنون



الف، لام، میم، را، بود سرّ حق اشارات خاص است اندر نسق
همین است مجموع آیات ناب که مکتوب بگردید اندر کتاب
ز ربّت به سوی تو آمد رسول! کلام خدا بر تو آمد نزول
ولی اکثر از مردمان جهان نیارند ایمان بر آیات آن
اللّهُ الَّذی رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ^ط وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
کُلٌّ یَجْرِی لِحَاجِلٍ مَّسْمًی^ع یدبّر الأمر یفصل الآیات لعلّکم بِلِقَاءِ رَبِّکُمْ تَوْقِنُونَ



خدایی که افراشت این آسمان
بکرد استوار عرش اعلیٰ گران
به تسخیر او هست شمس و قمر
به تدبیر او شد جهان بر مدار
به تفصیل آیات ز ذات کریم
که شاید بیابید شما هم یقین
نبینید عمود و ستونی در آن
ز بهر خداوندی خود نهان
به گردش به وقت خودش مستمر
منظم همه هستی اندر قرار
بگشته دلیل بر خدای حکیم
به دیدار پروردگار یوم دین

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا ۚ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ
أَثْنَيْنِ ۚ يَغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ



خدا او بود که بساطی چنین بگسترده سرتاسر اندر زمین
نمودست کوه و جبال استوار که ماند بساطی چنین پایدار
و جاری بگردانده انهار و شط بفرمود خلق میوه از هر نمط
ز هر چیز گر که عیان یا نهفت به خلقت بیاورد ایزد به جفت
بیوشانده شبها بیاید چو روز بگردد جهان روشن و دلفروز
از آثار رب هست هر جا نشان بر آن کس که باشد فکور در جهان

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مَّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَىٰ
بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفْضِلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ



زمین را بیاراست یزدان پاک ز حکمت همی او در انواع خاک
تنوع در آن است بر کشت و زرع گیاهان برویند از اصل و فرع
ز باغات انگور و هم میوهها دگر جا برویند از آن غلهها
برویند او نخل ز خاک و زمین که دارند تنوع بسی اجمعین
بگردند مشروب همگی ز آب ثمرهای هر یک همی بوده ناب
به بعضی فزون تر ز حکمت دهیم چنین برتری نیز موزون دهیم
دلالت بود بیش زین حصر و حد که مفهوم باشند به اهل خرد

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِرَبِّهِمْ ۚ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ ۚ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ



تعجب بورزی تو از جاهلان؟ عجب تر بود این چنین حرفشان
 که آیا چو در خاک شدیم ناپدید؟ کنیم رجعتی ما چو خلقی جدید؟
 پس ایشان بوند نزد رب کافران که دارند زنجیر به گردن، گران
 جهنم و آتش شود جایشان در آنجا بمانند همی جاودان

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ
 لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ



ز بهر عقوبت برانند شتاب به جای طلب بهر عفو و ثواب
 به حالی که دیدند در ماسبق عذاب گران، کافران به حق
 خداوند غفور است و بخشنده هم به احوال مخلوق که آرند ستم
 ولیکن به وقتش شدیدالعقاب چشاند ز قهر خودش او عذاب

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ



بگویند کفار، به طعنه شدید چرا نیست اعجاز یزدان پدید؟
 ولی کار تو ای نبی! بوده پند و هشدار از عاقبت نیز چند
 به هر قوم، یزدان پاک ودود فرستاده او رهنمایی ز جود

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ



بود علم یزدان پاک از حکم چه دارد زن حامله در شکم
 به نقصان بود آن و یا که زیاد بود حکمت حق هر آنچه بداد
 معین بود قدر هر چیز یقین به نزد خداوندگار است مبین

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ

بود آگه از غیب و هم آشکار بزرگ و عظیم است و بااقتدار
سواءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخَفٌّ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

به یکسان بود بر خدای جهان چه پنهان بگویند سخن یا عیان
به هر کاری در ظلمت تیره شام و یا آنکه در روز و در نور تام
لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مَن أَمَرَ اللَّهُ ﷻ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ
يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ﷻ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ ﷻ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مَن وَالٍ

به هر چیز قرار داده رب، پاسبان
که حافظ بگردند همچون سپاه
دگرگون نخواهد کند کردگار
مگر آنکه تغییر دهند آن گروه
اگر که خدا قومی از اقتضا
نخواهد توانست آن قوم دگر
چو قدرت ندارد کسی جز خدا
هم از پیش و پس بهر خلق جهان
نگهدار مخلوق، به امرِ اله
به احوال هیچ قوم در روزگار
در احوال و اعمال خود هر وجوه
بخواهد دهد رنج و سوءالقضا
نماید ز خود دفعِ شر و ضرر
ز رحمت کند دفعِ آن سان بلا

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ

خدایی که برق را چنین آشکار
و خلقت نمودی همی او سحاب
در آن ترس نهاد و رجا، بی شمار
بسی ابر سنگین مملو ز آب

وَيَسْبِيحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ

﴿۱۳﴾

به تسبیح یزدان ز پیمان و وعد
به تسبیح آن ذات، بی گفتگو
به هر قومی خواهد زند صاعقه
بر این قدرتی این چنین آشکار
خداوند شدید است در انتقام
بر آنان که کفران بورزند تمام
خروشان و غرآن بگردیده رعد
ملائک بگویند خفی ذکرِ هو
ز قهرش رساند شدید واقعه
جدال می کنند مردم نابکار
بر این قدرتی این چنین آشکار
خداوند شدید است در انتقام
بر آنان که کفران بورزند تمام

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٌ كَفِيهِ إِلَيَّ الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

﴿۱۴﴾

بود ویژه ی کردگار راه راست
و باطل بود دعوتِ غیرِ حق
به مانند آن کس که دستانِ خویش
ولی دستِ او کوتاه آید به آب
و هیچ خواهشی نیست از کافران
فقط از خداوند دعوت رواست
که حاجت نراند از هیچ نسق
گشوده که تا آب آرد به پیش
بگردیده محروم و پُراضطراب
مگر آنکه باشد ضلالت در آن

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝

﴿۱۵﴾

و هر چیزی اندر سماء و زمین
به رغبت و شوقی ز مهر و وداد
به حال سجودند در روز و شب
که تسبیح بیارند بر ذاتِ رب
کند سجده بر ذاتِ حق بالیقین
و یا آنکه با جبر و زور و شداد

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ
لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۚ

أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ۚ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ
الْوَّاحِدُ الْقَهَّارُ

﴿۱۶﴾

رسولا! بپرس کیست پروردگار؟	که بنمود زمین و سماء استوار
جوابی بده که فقط آن خداست	که خلقت نمودست بی کم و کاست
بگو که نمودید خدا را رها؟	گزیدید خدایانی غیر از خدا؟
نباشند مالک بر احوال خویش	نه سود و زیانی بیارند پیش
بود کوری آیا همی در نظر؟	همانند بینا که هست بابصر؟
و یا هست مساوی ظلمات تام؟	قیاسش کنی گر به نور تمام؟
برای خدا گر بسازند شریک	بود آن شریک خلقتی را ملیک؟
بگشتند بر راه باطل دچار	خدایانی ساختند به جز کردگار
بگو ای رسولا! فقط آن خداست	که او خالق مطلق چیزهاست
و یکتای واحد بود او به ذات	که مقهور او هست همه ممکنات

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا ۚ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ
فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ ۚ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۚ فَأَمَّا الزَّبَدُ
فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۖ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۚ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

﴿۱۷﴾

فرستد زمین، آب از آسمان	بگردند سیلاب و رودها روان
زمین را چشاند از آن آب ناب	به اندازه‌ی وسع و در حدّ تاب
خروشان بگردد چو از سیل، آب	بیاید به رویش کف و هم حباب
فلزّات هم چو بگردند مذاب	کفی روی آنها بیاید چو آب
ز حق و ز باطل زند حق مثل	ز طغیان آتش و آب در اجل
کف روی آهن نگیرد قرار	بقیه بگردد متاعی ز نار
ثمرها بگردند حاصل از آن	و سودها بیابند همه مردمان

مَثَلُهَا زِ حَكْمَتِ زَنْدِ حَقِّ تَمَامِ زِ بَهِرِ هِدَايَتِ بَرِّ خَاصِ وَ عَامِ

لِّلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ ۖ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

﴿۱۸﴾

کسانی که آرند اجابت به حق به اعمال نیک کارشان منطبق
بود بهترین‌ها همی اجرشان که پاداش نیکو بود سهمشان
گروهی که هیچ‌گاه در روزگار اجابت نیارند به پروردگار
هر آنچه که دارند روی زمین نمایند دو چندان اگر اجمعین
کنند خرج آرامش خویشان نیارند رهایی ز چنگ محن
حسابی که دارند گردیده سخت به دوزخ بیفتند همه تیره‌بخت
جهنم بر این قوم غرق در تباه بگردد سرایی و بد جایگاه

﴿۱۹﴾ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

﴿۱۹﴾

پس آیا کسی که بداند چنین که آمد ز ربّت به تو حکم دین
مقامش مساویست با بی‌بصر؟ که از حق نبیند هم این‌سان اثر
نکاتی که بوده چنین ارجمند به بینادلان بوده اندرز و پند

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

﴿۲۰﴾

کسانی که در عهد با کردگار وفادار بمانند و هم پایدار
و نشکسته میثاق خود با خدا فرامین او را نکرده رها

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

کسانی که پیوند و هم اتصال نگهداشته از امر حق در کمال
 خشیت بورزند ز ذات اله ز سوء الحسابی که هست از گناه
 وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ
 بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

کسانی که در راه پروردگار صبری نمایند در روزگار
 برای نماز می‌نمایند قیام ببخشند از رزق خود نیز مدام
 که انفاقشان گاه باشد نهان و گاهی بود آشکار و عیان
 بدی گر ببینند از دیگران به نیکی دهند پاسخ مردمان
 بوند این گروه که سرانجام کار به منزلگهی نیک گیرند قرار
 جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ
 عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ

بگردند داخل در آن جنتان به همراه ایشان همه صالحان
 پدرها و همسر و اولادشان به گرد هم آیند اندر امان
 ملائک ز هر درب وارد شوند تحیت بگویند و پیشواز روند
 سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ

بگویند، سلام بر شما و درود که سرمایه‌ی نیکتان صبر بود
 شما راست، اجری همه پایدار به نیکو مکانی به دارالقرار

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

﴿۲۵﴾

کسانی که پیمان حق بشکنند ز بعدِ عهدی که خود بسته‌اند
از آنچه که حکم خدا بود به اصل کنند قطع و پاره نمایند وصل
براند فساد جمله روی زمین رسد لعنت حق بر ایشان یقین
نصیب هم آنهاست عذابِ الیم ز سوء چنین عاقبت در جحیم

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ

﴿۲۶﴾

دهد وسعتِ رزق، بی‌کم و کاست به هر کس بخواهد که حکم از
خداست
کند تنگ، رزقِ کسانی که خواست چنین حکمتی از خداوند رواست
فرحناک و راضی شوند مردمان بدین زندگانی پست در جهان
جهانی که فانیست از بهر ناس اگر که شود آن به عقبی قیاس
بود زودگذر هستی این جهان ولی آخرت هست همی جاودان

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَبِّهِ ۚ قُلْ إِنَّا لِلَّهِ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ

﴿۲۷﴾

کسانی که هستند از کافران ز مکاری پرسند سؤال این‌چنان
نگردیده نازل چرا آشکار؟ ز بهر نبی حجت از کردگار
بگو که خداوند به هر کس بخواست کند آن‌چنانی که او را رواست
به گمراهی آرد خدا آن کسی که از راه راست رو بگرداند بسی

گشاید ولی راه بر آن کسان که آرند تضرع به ربّ جهان
 الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ ۖ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

﴿۲۸﴾

کسانی که ایمانشان در جهان بود محکم و قاطع بر مُستعان
 چو دارند در دل فقط یاد او به آرامشی می‌شوند روبه‌رو
 بدانید تنها ز یاد خدا رسد امنیت بر قلوب شما

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنُ مَا بِهِ

﴿۲۹﴾

کسانی که ایمان به حق یافته به کارهای صالح پرداخته
 به طوبیٰ رسند در حریم بهشت مقامی بلند حق بر آنها نوشت

كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ
 يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ ۚ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ

﴿۳۰﴾

بدادیم حکمی به تو در اصول که هادی شوی بهر خلق و رسول
 فرستاده‌ایم پیش از این هم رسل که بخشند هدایت به جزء و به کل
 تلاوت بیاور تو از امر و نهی ز آنچه که نازل بشد بر تو وحی
 پیام‌های تو را ولی نشنوند و کفران به رحمان همی آورند
 بگو که خداوندگرم یکیست خدایی دگر غیر او هیچ نیست
 توکل بیارم بر او بی‌شمار امیدم فقط هست به پروردگار

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ ۚ بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا
 ۚ أَفَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا

تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

﴿۳۱﴾

اگر می‌شدی این زِ قرآن پدید
و یا پاره پاره شکافد زمین
نیارند ایمان چنین مردمان
بود امر، مختص به ربّ جهان
هنوز نیز ندانسته‌اند مؤمنین؟
هدایت کند او همه خلق خویش
ولی کافران سوی پروردگار
و یا آنکه در شهرشان و دیار
هر آنچه بداد وعده ذاتِ احد
که وعده زِ ایزد نباشد خلاف

که حرکت دهد کوه‌ها را شدید
کنند مرده‌ها نطق زِ آن همچنین
اگر چه که اعجاز بود بس عیان
مشیت جمیعاً، عیان و نهان
اگر که بخواهد خدا، اجمعین
همه راه راستی بگیرند پیش
جزایی ببینند و گردند خوار
بلایی بیاید شدید، آشکار
مسلم به وقتِ خودش سررسد
نیفتد به میعاد او اختلاف

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

﴿۳۲﴾

رسولا! به قبل از تو هم ماسبق
تمسخر بکردند ایشان رسل
بدادیم مهلت بر آن کافران
عذابی رساندیم به قوم پلید

زِ جهّالِ دون، مردم نابحق
که بودند هادی همه در سبّل
بدادند زِ کف فرصتی آن چنان
چه سنگین عِقاب و عذاب شدید

أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۖ وَقَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ ۚ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بَظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ ۚ بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ۚ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

﴿۳۳﴾

پس آیا کسی که محاسب بود و بر کل مردم مراقب بود
 مساوی بود در عمل او به این؟ کسی را که هرگز نبوده چنین؟
 شریکانی جعل کرده از روی جهل؟ گرفتند انجام این امر، سهل؟
 بگو ای پیمبر! بر این قوم خام که خوانید خدایان خود را به نام
 به چیزی شما آگهید در زمین؟ که حق نیست آگه ز آن بالیقین؟
 و یا آنکه هست حرفتان بی حساب؟ نیابید هرگز ز بهرش جواب
 ولیکن موجه بگشت این عمل ز کذب و ریا و ز کار دغل
 بگشتند محروم ز راه اله به گمراهی رفتند از این گناه
 ضلالت دهد بر کسی گر خدا چه کس می شود بهر او رهگشا؟

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ ۚ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ

﴿۳۴﴾

بود بهر کفار دون در جهان بسی ابتلا و عذاب گران
 ولی مستحقند از آن سخت تر به عقبی و اندر سرای دگر

﴿٥﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ ۚ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا ۚ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا ۖ وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ

﴿۳۵﴾

به جنت مثالش بود این چنین که وعده خدا داده بر مؤمنین
 درختها ز میوه همه جاودان به زیرش بسی نهرهایی روان
 که در سایه ی آن بود ایمنی همین سایه ها تا ابد ماندنی
 به عقباست، چنین سهم پرهیزگار ولی سهم کفار پست هست نار

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ ۖ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ ۚ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ ۚ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَابِ

﴿۳۶﴾

بر آنها که اعطا بکردیم کتاب
از آنچه که بر تو رسولِ حلیم!
گروهی ز طغیان و روی گناه
بر آنها چنین نیز بنما خطاب
کنم بندگی من به ذاتِ اله
هدایت کنم خلق بر ذوالجلال
بگردند راضی و شاد بی حساب
بکردیم نزول آیه‌های کریم
شوند منکر آیه‌های اله
که مأمور گشتم به امر کتاب
نخوانم شریکی بر او هیچ‌گاه
که رجعت بود سوی او بالمآل

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ۚ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ

﴿۳۷﴾

همان طور که با هر زبان در سبق
به تو نازل آورده‌ایم این کتاب
اگر بعد از این حکمتِ بی‌کران
رهای نیابی ز خشم اله
فرستاده‌ایم ما رسولانِ حق
زبان‌ش عرب بوده هر فصل و باب
شوی پیرو آن هوس‌هایشان
نبینی تو یاری ز حق هیچ‌گاه

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً ۚ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ

﴿۳۸﴾

به قبل از تو ما نیز روی زمین
که داشتند اولاد و اهل و عیال
نبودند مُجاز کاورند آیتی
ز نهی و ز امر جمله آیاتِ ناب
فرستاده پیغمبر و مرسلین
هدایت نموده سوی ذوالجلال
مگر آنکه از حق بشد رخصتی
به وقتِ مقرر بشد ثبت کتاب

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ ۖ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

﴿۳۹﴾

کند محو، هر چیز که خواهد خدا و منسوخ نماید ز روی قضا
به اثبات رساند کند افتتاح اگر که ز حکمت بداند صلاح
مشیت بود خاص ربّ جهان و أمّالکتاب است در نزد آن

وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوْفِّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ

﴿۴۰﴾

اگر ما پدیدار نماییم عذاب هر آنچه که شد وعده اندر کتاب
چه باشد به دوران تو ای رسول! و یا بعدِ عمرت که بنمود افول
به تو نیست تکلیفی، الاّ پیام بود حکم تو اندر این حد تمام
حساب همه خلق در ماسوی بود دست ما ذات یکتا خدا

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ سَرِيعُ
الْحِسَابِ

﴿۴۱﴾

ندیدند مردم ز جهلِ گران؟ که محدود نماییم زمین بهرشان
دهیم حکم ویرانی اطرافشان زمین را کنیم تنگ بر کافران
اگر حکمی آید ز حق در جهان ندارد کسی قدرتِ دفع آن
بود حق تعالی سریع الحساب هر آنچه بخواهد بود آن صواب

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا ۖ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۖ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ
لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ

﴿۴۲﴾

به دورانِ ماقبل نیز کافران نمودند مکرها بسیط و گران
ولی نزد حق است تدبیر تمام بداند ز آنچه کنند این انام
بفهمند زود با یقین قوم پست که آخر سعادت نصیب که هست

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۚ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ
الْكِتَابِ

﴿٤٣﴾

بگویند کفار که نیستی نبی	جواب ده، رسولاً! به قوم دنی
که باشد کفایت گواه خدا	کند حکم، او بین من با شما
به هر چه مشیت کند هست صواب	فقط نزد او هست علم کتاب
و آن کس که عالم بود بر کتاب	شهادت دهد بین ما بر صواب